مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز
دوره چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی

ذبیح‌اله خدائیان‌چگنی*

چکیده

امروزه جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های مهم جامعه جهانی است که قلمرو جولان آن مختص به کشور یا قاره خاصی نیست، به هم پیوستگی و ارتباط رو به گسترش جامعه جهانی، از میان رفتن مرزها، شکل گیری شرکت‌های چند ملیتی و حتی دست داشتن اشخاص و نهادهای بین المللی در ارتکاب جرایم اقتصادی آن را به یک معضل جهانی تبدیل نموده که نه تنها سلامت و حیات جامعه ملی، بلکه نظم جامعه بین المللی را نیز متأثر ساخته است. کشور ایران نیز از این قاعده مستثناء نخواهد بود. این کشور که مرحله گذار از اقتصاد دولتی به خصوصی را طی می‌کند بایستی مبارزه با جرایم مذکور را در اولویت سیاست جنایی خود قرار دهد. در این راستا نقش نهادهای نظام عدالت کیفری در مبارزه با مفاسد مالی برجسته خواهد بود؛ زیرا چنانچه نهادهای مذکور در انجام وظایف محوله اعم از کنشی یا واکنشی از تخصص، تبحر، استقلال و امکانات مادی و انسانی کافی برخوردار باشند در مقابله با جرایم اقتصادی موفق تر خواهند بود. در این زمینه استفاده از تجارب کشورهای موفق در مهندسی نهادهای نظام عدالت کیفری امری ضروری

* دانشجوی مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
khodaiyan@dadfars.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱

Archive of SID
www.SID.ir

است. در این مقاله به لحاظ ارتباط عمیقی که سیستم حقوقی فرانسه و ایران به ویژه از نظر شکلی دارند به مطالعه تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی و بررسی نقاط ضعف و قوت آنها پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نهادهای نظام عدالت کیفری، جرم اقتصادی، پیشگیری، پیشگیری کیفری.

۱. درآمد

واژه جرایم اقتصادی در قانون‌گذاری‌های داخلی و بین المللی به صراحت تعریف نشده، تنها به ذکر مصادیقی از آن اکتفا شده است. در خصوص تعریف جرم اقتصادی میان صاحب نظران، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی جرم اقتصادی را اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی تعریف نموده‌اند. (اسجوگران واسکوج، ۲۰۰۴،۲-۱)[1] این تعریف هر چند دو مورد از ملاک‌های تعریف جرم اقتصادی یعنی ارتکاب در بستر حرفه اقتصادی و ارتکاب به منظور کسب امتیازات اقتصادی را داراست، اما یکی از ارکان اصلی جرم اقتصادی یعنی نتیجه و آثار آن را که اخلال در نظام اقتصادی است شامل نمی‌شود. تعریف دیگر این است که جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده آن را به خطر می‌اندازند. (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۳۸)این تعریف نیز واجد ایرادهایی است زیرا محدوده، دامنه و موضوع جرایم اقتصادی را مشخص نکرده است بر این اساس، برخی حقوقدانان بدون ارائه تعریفی از جرم اقتصادی، برای تشخیص دقیق آن از سایر جرایم، به ذکر معیارهایی از قبیل انگیزه مرتکب، معیار، وسایل و آلات جرم، ارزیابی مجرم از عمل مجرمانه و ... پرداخته‌اند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۳۰۴-۲۲۸۴) البته عدم تعریف جرم اقتصادی به خودی خود، مشکلی ایجاد نمی‌کند و امری نسبتاً معمولی است. همان طور که قانونگذار برخی کشورها مانند فرانسه نیز از این امر امتناع نموده و تنها مصادیق جرم اقتصادی را بیان

Archive of SID

www.SID.ir

کرده است. (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶۹) در حقوق ایران نیز تعریفی از جرم اقتصادی ارائه نشده است البته ماده (۱) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد تعریف ذیل را در مورد فساد ارائه نموده است. «فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی یا جمعی از مردم وارد نماید. نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیر قانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی» قانون مذکور هر چند در مقام تعریف فساد است که مفهومی اعم از جرم اقتصادی دارد اما جرایم اقتصادی را به عنوان مصادیق آن ذکر نموده است. زیرا هر چند جرم اقتصادی تاکنون در حقوق ایران از ابهام مفهومی و اجمال مصداقی برخوردار بوده است؛ اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰/۵/۲ در بند ۲ ماده ۱۰۸ ناظر به تبصره ماده ۳۵ آن قانون، این نقیصه را رفع نموده و به صراحت جرایم مذکور در آن تبصره را به عنوان مصادیق جرم اقتصادی ذکر نموده است. با این وصف و با توجه به معیارهای ارائه شده توسط حقوقدانان می‌توان گفت «جرم اقتصادی عبارت است از فعل یا ترک فعلی که با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی و نوعاً با ارتکاب در بستر فعالیت‌های شغلی و نقض اعتماد حاکم بر حرفه مربوطه ارتکاب یافته و بالفعل یا بالقوه موجبات اخلال در نظام اقتصادی کشور را فراهم می‌کند. در این تعریف به معیارهایی از جمله انگیزه مرتکب یعنی : کسب سود، ارتکاب در بستر شغلی، نقض اعتماد حاکم بر حرفه، اشاره شده است و با توجه به معیار اخلال در نظام اقتصادی مذکور در تعریف، جرم اقتصادی از سایر جرایم نظیر جرایم مالی تفکیک می‌شود. جرایم اقتصادی، اقتصاد یک کشور را که نبض تپنده و مبنای قدرت آن را تشکیل می‌دهد به ورطه نابودی می‌کشاند. (توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱) بدین سان مبارزه با این جرایم بنا به جهات ذیل حائز اهمیت است: اولاً: جرایم اقتصادی به صورت پنهان و در محیط‌های بسته ادارات دولتی و بنگاه‌های مالی و مانند آن ارتکاب می‌یابند، نوعاً بزه دیده مشخص ندارند و اثرات سوء

Archive of SID

www.SID.ir

آنها در میان افرادی پخش و توزیع نشده و افکار عمـومی را تحریـک نمـی‌کننـد؛ثانیاً : مرتکبان این جرایم افرادی حرفه‌ای، زیرک و دارای نفوذ هستند، که بـا کمـک دانـش و اطلاعات مخصوص در زمینه امور اداری و اقتصادی مرتکب جرم می‌شوند و به جهـت انطباق اجتماعی بالا و در عین حال میزان خطرناکی زیاد در رسته مجـرمین یقـه سـفید قرار می‌گیرند. ثالثاً: این جرایم جنبه فراملی داشته، بطـوری کـه از بزهکـاری اقتصـادی غالباً بعنوان معضل دنیای امروز بحث می‌شود؛ رابعاً این جرایم به لحاظ اخلالی کـه در زندگی مردم ایجاد کرده و موجب ایراد خسارت جبران ناپذیر به روابط مـالی مـردم بـا همدیگر و مردم با دولت می‌شود به بنـای حکومـت نیـز لطمـه وارد مـی‌کنـد.بنـابراین کشورهای مختلف در مبارزه با جرایم اقتصادی، پیشگیری را بعنوان یک اصل راهبـردی در اولویت سیاست جنایی خود قرار داده اند.پیشگیری از جرم درصدد کاهش خطـرات رویدادهای بزه کارانه و رفتارهای مرتبط از طریق مداخله در عمل و نوع آنهـا اسـت و شامل آن دسته از تدابیر سیاست جنایی است که به شکل کیفری و غیرکیفـری درصـدد کاهش میزان بزهکاری است که بر حسب زمان مداخله، بـه دو نـوع کنشـی و واکنشـی تقسیم می‌شود. پیشگیری کنشی، به تدابیر پیشگیرانه‌ای گفته می‌شود کـه قبـل از وقـوع جرم با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم و یا کاهش ضـرر و زیـان ناشـی از آن اتخـاذ می‌شود و دو نوع است، یکی «پیشگیری اجتماعی» از جرم بـه روش اصـلاح جامعـه و نظام اجتماعی مانند خانواده، آمـوزش و پـرورش، اقتصـاد و پـرورش افـراد در فرآینـد جامعه پذیری آنها و دیگری «پیشگیری وضعی» اسـت. کـه از گـذر کـاهش فرصـت و موقعیت هایی که ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند، تحقق می‌یابد (روستایی، ۱۳۸۸: ۲۱۸) اما اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از جرایم اقتصادی دولت‌ها را بـی نیـاز از پیشـگیری کیفـری نکرده است و همچنان به عنوان یک اقدام مؤثر در مقابله با جرایم اقتصادی، در دسـتور کار دولت‌ها قرار دارد. مبنای نظری این نـوع پیشـگیری، اصـرار بـر تأییـد بازدارنـدگی مقررات کیفری و روشهای رسمی یا قانونی برخورد با جـرم، یعنـی اعمـال مجـازات و اقدامات موثرتر برای دستگیری مرتکبین از جمله تقویت پلیس و دستگاه قضایی است. (صفاری ۱۳۸۰: ۲۷۷) «پیشگیری کیفری» با تهدید تابعان حقوق کیفری، از یـک سـو و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های کیفری را نقـض

Archive of SID

www.SID.ir

کرده اند از سوی دیگر، در مقام پیشگیری «عام و خاص» از جرم و تکرار آن است. در این نوع پیشگیری مهمترین نقش را نهادهای وابسته به نظام عدالت کیفری یعنی ضابطین دادگستری و مراجع قضایی ایفاء می‌کنند.

۲. نقش نهادهای نظام عدالت کیفری در پیشگیری از جرایم اقتصادی

پیشگیری در مفهوم عام و موسع، هر اقدامی را شامل می‌شود که باعث کاهش وقوع جرم گردد. در این معنا، یکی از انواع پیشگیری، «پیشگیری کیفری» است که از کشف جرم، تحقیق، تعقیب و مجازات مجرمان حاصل می‌شود. (ضرغامی، ۱۳۸۷: ۲۵۷) و این وظیفه بر عهده دستگاه عدالت کیفری است به طوری که مجموعه عوامل قضایی دخیل در فرآیند کیفری را دربر می‌گیرد. منظور از فرآیند کیفری، کلیه اقداماتی است که در مراحل تحقیق، تعقیب، صدور کیفرخواست، محاکمه مجرم و در نهایت اجرای حکم صادره به شکل ضمانت اجرای کیفری به اجرا در می‌آیند. این مراحل، زنجیره‌ای کاملاً وابسته اند و هرگونه نقص یا کمبود در هر یک از این مراحل، مراحل دیگر را با مشکلات اساسی مواجه خواهد کرد. از سوی دیگر، وقوع فساد در این دستگاه می‌تواند آثار منفی گسترده‌ای را ایجاد کند؛ زیرا اگر نهادی که باید مجری عدالت در مورد مفسدان باشد، خود فاسد شود دیگر امیدی به اجرای عدالت و از بین بردن فساد وجود نخواهد داشت. (بهره‌مندبگ نظر، ۱۳۸۷: ۶۹) امروزه به رغم تأکید فزاینده درباره مبارزه با فساد و بسیاری از تلاش‌ها در این زمینه، مقابله با فساد به دلایل زیادی شکست خورده است. بسیاری از کشورها مانند آفریقای جنوبی و تایلند از قوانین ضد فساد نمونه‌ای برخوردار بوده اما در مهار فساد اقتصادی توفیق چندانی ندارند. زیرا صرف داشتن قوانین جامع و مانع برای پیشگیری و مبارزه با جرم کفایت نکرده، بلکه قانون خوب، بایستی توسط مجریان به نحو مطلوب اجرا شود تا آثار خود را در جامعه برجای گذارد. بنابراین مبارزه با جرایم اقتصادی جز از رهگذر نهادهای مستقل، متخصص و کارآمد در مرحله کشف، تحقیق، تعقیب و رسیدگی امکان پذیر نمی‌باشد؛ زیرا جرایم اقتصادی ویژگی‌های انحصاری دارند؛ چنانکه نمی‌توان آنها را در

Archive of SID

www.SID.ir

ردیف جرایم سنتی، نظیر قتل و سرقت قرار داد. از این رو رسیدگی به این گونه جرایم مستلزم وقوف علمی به طبیعت و انواع آن جرایم است و کسب آگاهی تجربی از طریق رسیدگی عملی به پرونده‌های اقتصادی، شیوه مناسبی برای تسلط بر جرایم مذکور نیست. راه علمی آن است که مجریان نظام عدالت کیفری (ضابطین دادگستری و قضات) از طریق آموزش دوره‌های علمی- تخصصی، خود را به داده‌های اقتصادی و حقوق کیفری مجهز کنند.(حسینی،۱۳۸۸: ۱۸۱) همچنین از استقلال کافی جهت مقابله با مجریان اقتصادی برخوردار باشند تا از این طریق بتوان نسبت به پیشگیری کیفری از جرایم اقتصادی امیدوار بود.

۳. نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی

نهادهای نظام عدالت کیفری نقش مهمی در مقابله با جرایم اقتصادی به ویژه در پیشگیری واکنشی به جرایم اقتصادی دارند این نهادها در کشورهای ایران و فرانسه عبارت از پلیس، دادسرا و دادگاه‌ها هستند که در این مقاله ساختار تشکیلاتی، وظایف و اختیارات هر کدام از نهادها را در کشورهای مذکور بررسی نموده، ضمن بیان نقاط ضعف و قوت هر یک، به مقایسه تطبیقی آنها پرداخته می‌شود.

۱-۳. پلیس

پلیس به عنوان اصلی ترین نهاد برقراری نظم و امنیت در جامعه وظایف عدیده‌ای را برعهده دارد. برخی از این وظایف مرتبط با ضابطیت بوده و پلیس را در زمره جزیی از سیستم عدالت قرار می‌دهد. برخی دیگر از وظایف و مأموریتهای پلیس، از جنس پیشگیری کنشی بوده به اصطلاح عملکرد پلیس اداری را تشکیل می‌دهد. (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۶۸) از آنجا که نهادهای عدالت کیفری با قاطعیت، سرعت و دقت در انجام وظایف خود می‌توانند از تکرار جرایم پیشگیری نمایند، همچنین وجود تخصص در این گونه نهادها موجب افزایش میزان دقت و سرعت در عملکرد آنها است، از این رو پلیس که یکی از نهادهای عدالت کیفری است با دقت و سرعت در عملکرد خود

Archive of SID

www.SID.ir

می‌تواند نقش به سزایی در پیشگیری از جرایم داشته باشد.

پلیس فرانسه در دو نیروی پلیس ملی که عبارتند از: پلیس قضایی که وابسته به وزارت کشور بوده و مقر آن در این وزارت مستقر است و ژاندارمری که وابسته به وزارت دفاع است، سازماندهی شده است پلیس در برابر رئیس کل پلیس که توسط هیأت وزیران منصوب می‌گردد مسئولیت دارد. (محمد نسل، ۱۳۸۷: ۳۲) هر دو نیرو از آموزش‌های لازم جهت مقابله با جرایم اقتصادی برخوردارند و مکلف به اجرای دستورات شورای دولتی و نیز اوامر و مأموریتهای محوله توسط قضات تحقیق در پرونده‌های کیفری هستند. طبق مواد ۱۲ و ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پلیس قضایی در شهرستانها، تحت مدیریت دادستان شهرستان و در حوزه قضایی محاکم تجدیدنظر، با نظارت دادستان استان و تحت کنترل شعبه تحقیق انجام وظیفه می‌کند. به موجب ماده ۱۵ قانون مذکور پلیس قضایی متشکل از مقامات ذیل است:

الف) افسران پلیس قضایی، ب) مأموران پلیس قضایی و مأموران معاون پلیس قضایی، ج)کارمندان و مأمورانی که در برخی قوانین خاص، عهده دار انجام وظایف پلیس قضایی هستند مانند: مهندسین، رؤسای حوزه‌ها و مأموران متخصص آبها، پلیس روستا، مأموران گمرک در ارتباط با مالیاتهای غیر مستقیم، تقلب در نرخ مالیات و ارزش افزوده. بر اساس آخرین اصلاحات سازمانی در اکتبر ۲۰۰۵، پلیس قضایی از نظر ساختاری شامل دو بخش است: ۱)ادارات مرکزی که صلاحیت اقدام در سراسر سرزمین جمهوری فرانسه را دارند. برخورد با انواع جرایم سازمان یافته، بزهکاری اقتصادی و مالی عمدتاً بر عهده این اداره است تا نهایت هماهنگی و تمرکز فعالیت‌ها به وجود آمده، تحقیقات مربوطه با سهولت بیشتری در سراسر کشور پیگیری شود؛ زیرا پرسنل این اداره متخصص و آموزش دیده بوده و از تجربه کافی در مبارزه با جرایم اقتصادی برخوردارند. مضافاً چون ادارات مرکزی صلاحیت اقدام در سراسر کشور فرانسه را دارند، بنابراین پرسنل آنها برای ادامه تحقیقات در سراسر سرزمین فرانسه آزادی عمل داشته و تمام نیروهای منطقه‌ای مکلف به اجرای دستورات آنها هستند. بدین سان اتخاذ این شیوه، از نیاز به تفویض نیابت قضایی و دیوان سالاری افراطی که موجب کندی روند تحقیقات می‌شود، به شدت می‌کاهد و هماهنگی فعالیت پلیس را

Archive of SID

www.SID.ir

در سراسر کشور به خصوص در پرونده‌های بزرگ اقتصادی افزایش می‌دهد. یگان مرکزی مبارزه با فساد مالی و اداری که در سال ۲۰۰۴ ایجاد شده است، مهم ترین اداره‌ای است که بطور تخصصی به پیگیری پرونده‌های جرایم اقتصادی در سراسر کشور می‌پردازد که از یک تیم چند رشته‌ای از تخصص‌های مختلف تشکیل شده و با همکاری نیروهای پلیس، افراد ژاندارمری و مقامات غیرنظامی متخصص، تحقیقات مقدماتی پرونده‌ها را انجام می‌دهد این یگان همانند سایر واحدهای وابسته به مدیریت مرکزی پلیس قضایی، در سراسر کشور فعالیت دارد.

۲. اداره پلیس منطقه ای، مشتمل بر دوازده اداره پلیس منطقه‌ای است که نه اداره آن هر کدام در چند ناحیه کشور فعالیت دارند و سه اداره در یک ناحیه فعال هستند. ادارات مذکور با یکدیگر و ادارات مرکزی همکاری دارند. در هر یک از این ادارات واحدهای تخصصی برای رسیدگی به جرایم اقتصادی و تطهیر عواید مجرمانه تشکیل شده است. علاوه بر آن طبق بخشنامه مورخ ۲۳ می۲۰۰۲ کمیسیون ویژه‌ای با شرکت مأمورین پلیس، افراد ژاندارمری و سایر ادارات دولتی در سطح ادارات منطقه‌ای پلیس تشکیل شده است که از تخصص لازم برخوردارند و برای کشف و برخورد با فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی کارآیی دارند و می‌توانند به راحتی از همکاری ادارات مالیاتی و گمرک بهره مند شوند و تحت شرایطی به اسناد محرمانه مالیاتی و گمرکی نیز دسترسی داشته باشند. در خصوص پلیس فرانسه چند نکته حائز اهمیت است:

اولاً) افسران پلیس در مقام تحقیقات قضایی، مطابق ماده ۲-۱ قسمت مقررات اجرایی آیین دادرسی کیفری مصوب شورای دولتی منحصراً در برابر مقام قضایی مسئولیت دارند و دستورهای او را دریافت و در مواقع لزوم از او کسب تکلیف می‌کنند و تحقیقات انجام شده توسط کارشناسان گروه دولت‌ها بر ضد فساد مالی (گرکو) حاکی از این است که نیروهای پلیس و ژاندارمری از سطح استقلال خود در سال‌های اخیر رضایت دارند و در شرایط موجود دیگر پرونده‌ها را نمی‌توان به صورت فرمایشی مختومه کرد، افراد مافوق از مداخلات سیاسی و مانع تراشی منع شده اند و سطح همکاری با سایر ادارات ارتقاء یافته است. (گرکو،۲۰۰۳: ۵۶-۵۵)[۲] ثانیاً: طبق بند ۱ ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در بعضی جرایم اقتصادی و مالی مانند: جرایم

Archive of SID

www.SID.ir

تطهیر عواید مجرمانه، تقلبات مالیاتی و تقلبات بر ضد منافع مالی اتحادیه اروپا و فساد مالی و اداری مرتبط با این جرایم، قضات تحقیق و دادستانها می‌توانند موقتاً از مأمورین عالیرتبه گمرک با رعایت تشریفات مخصوص استفاده کنند. زیرا این مأمورین به علت تجربه و تخصصی که دارند بهتر از عهده تحقیقات پرونده‌های پیچیده برمی آیند. ثالثاً: شروع تحقیقات مربوط به فساد مالی- اداری به ندرت توسط پلیس و به ابتکار خود صورت می‌گیرد؛ در واقع نقش اصلی پلیس و ژاندارمری در پرونده‌های مربوطه بیشتر پیگیری تحقیقات و انجام دستورهایی است که توسط مقام قضایی مربوطه صادر می‌شود. به عبارت دیگر، کشف و اعلام اولیه جرایم مزبور غالباً توسط سایر نهادها و اشخاص از قبیل: دیوان محاسبات، واحدهای بازرسی و اطلاعات مردمی انجام می‌یابد (نظری نژاد، همان، ۲۶۸-۲۶۴) رابعاً: ادارات مرکزی پلیس دارای صلاحیت تحقیقات در سراسر کشور فرانسه هستند. بر این اساس در مبارزه با جرایم اقتصادی، به ویژه تطهیر عواید مجرمانه که غالباً محدود به یک حوزه قضایی نبوده بلکه در سراسر کشور و حتی در خارج از کشور گسترده هستند، دچار مشکل نمی‌شوند. (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۸۸: ۲۷۷-۲۷۵)؛ خامساً: صلاحیت هر کدام از ادارات منطقه‌ای پلیس محدود به صلاحیت سرزمینی یک دادگاه شهرستان نیست بلکه هر اداره در چندین حوزه قضایی موظف به اجرای اوامر قضایی و انجام تحقیقات است. اما در کشور ایران هم اکنون نیروی انتظامی به موجب ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و بند ۸ ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی، ضابط عام دادگستری بوده است و وظیفه کشف جرم، از جمله جرایم اقتصادی را بر عهده دارد که فرآیند تحقیقات معمولاً به دو مرحله اصلی تقسیم می‌شود. مرحله اول در برگیرنده تحقیقات ابتدایی است که در آن افسران کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها این وظیفه را انجام می‌دهند. مرحله بعدی که پس از تحقیقات اولیه است صرفاً توسط افسران پلیس که به شکل رسمی، فنون تحقیقاتی را فرا گرفته اند و در بخش‌های تخصصی پلیس برای پاسخگویی به انواع خاصی از جرایم مانند قتل، جرایم اقتصادی و ... سازماندهی شده اند، انجام می‌شود. پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی یکی از پلیسهای تخصصی در اداره آگاهی است که وظیفه کشف جرایم اقتصادی و تعقیب متهمان را بر عهده دارد. (روستایی، ۸۸، ۱۹) حال سئوال این است که آیا نیروی انتظامی

Archive of SID

www.SID.ir

جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با جرایم اقتصادی تاکنون موفق بوده است یا خیر؟ واقعیت این است که بنا به جهات ذیل این نیرو در برخورد با جرایم اقتصادی چندان موفق نبوده است.

اولاً) در بسیاری موارد که مرتکبین این جرایم از افراد وابسته به مقامات مملکتی بوده یا مرتکبان خود، صاحب منصب و موقعیتی باشند، مأمورین انتظامی به عنوان ضابط عام قوه قضاییه استقلال کافی برای برخورد با آنها را ندارند و ملاحظاتی را اعمال می‌کنند که این نحوه عملکرد خود به خود فرصت فرار متخلفین یا امحای دلایل و مدارک جرم را ایجاد می‌کند؛ ثانیاً) دلایل، معمولاً در مراحل اولیه کشف جرم و در صحنه جرم یافت می‌شوند از آنجا که در این جرایم، اسناد و مدارکی که دلیل جرم هستند، صورت ظاهر آنها قانونی و بدون ایراد می‌باشد اکثر مأموران انتظامی تخصصی در این خصوص ندارند و در تحقیقات و بازرسی‌های خود توجهی به آنها نمی‌کنند، لذا بسیاری از دلایل یا نامکشوف باقی می‌ماند و یا به واسطه عدم شناخت ضابطین، حتی بعد از کشف، مورد بی توجهی واقع شده، از بین می‌روند؛ ثالثاً) در مواردی که مرتکبین این جرایم، صاحب ثروت و قدرت هستند در همه مراحل از بدو دستگیری تا محاکمه سعی دارند با استفاده از قدرت مالی موجبات خلاصی خود را فراهم نمایند. این امر مسلمی است که هر چه مأمورین، آگاهی کمتری از قانون و اهمیت جرم مرتکب داشته باشند و همچنین نیازمندتر باشند، امکان توفیق فرد دستگیر شده به حصول نتیجه بیشتر است. (مسعودی، ۱۳۸۸: ۸۷) برای رفع این مشکل نیروی انتظامی اقدام به تشکیل پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی در ادارات آگاهی شهرستانها نموده است؛ اما چون این مأمورین بیشتر به تجربیات خود اکتفاء نموده و آموزشهای تخصصی را در امور اقتصادی ندیده اند و از طرفی پلیس موصوف نیز فاقد کارشناس امور اقتصادی می‌باشند، تشکیلات انتظامی تاکنون توفیق چندانی در مبارزه با جرایم اقتصادی نداشته است.ضابط دیگر قوه قضاییه در مبارزه با جرایم کلان اقتصادی وزارت اطلاعات است بر اساس قانون تشکیل وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۱/۵/۲۵ این وزارت با هدف کسب و پرورش اطلاعات امنیتی، اطلاعات خارجی، حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی و به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی و در

Archive of SID

www.SID.ir

جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه کشور تشکیل شده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا مأمورین وزارت اطلاعات، ضابط دادگستری محسوب شده و قضات در ارجاع پرونده به آنها مرتکب تخلف انتظامی می‌شوند یا خیر؟ آنچه مسلم است مأمورین وزارت اطلاعات ضابط قوه قضاییه در همه جرایم نمی‌باشند. زیرا طبق قانون تشکیل این وزارتخانه مأمورین مذکور ضابط قوه قضاییه شناخته نشده اند و ماده ۴ این قانون تصریح دارد: «کلیه امور اجرایی امنیت داخلی بر عهده ضابطین قوه قضاییه است» اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریات مشورتی خود به شماره ۷/۳۵۳ مورخ ۱۳۶۶/۴/۷ نظر داده است مأمورین وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند و با توجه به قانون تشکیل وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲ نمی‌توان جلب، دستگیری یا سایر اقدامات قضایی را از وزارت مزبور تقاضا کرد. در نظریه شماره ۷/۷۴۴۸ مورخ ۸۱/۸/۲۱ نیز بیان نموده است: «مأمورین وزارت اطلاعات و یا پرسنل اطلاعات سپاه پاسداران ضابط دادگستری نیستند و ارجاع وظایف دادگستری به آنان با قانون مطابقت ندارد.»

اما در مورد جرایم کلان اقتصادی مأمورین وزارت اطلاعات ضابط قوه قضاییه بوده موظف به اجرای اوامر قضایی می‌باشند زیرا:

اولاً) ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه، وزارت اطلاعات را در کشف مفاسد اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی ضابط قوه قضاییه شناخته است و در این قانون مقرر شده است: «ب- وزارت اطلاعات در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی درمقام ضابط قوه قضاییه اقدام لازم به عمل می‌آورد»

ثانیاً) طبق ماده ۱۰ قانون تشکیل وزارت اطلاعات از جمله وظایف این وزارت « کسب و جمع آوری اخبار، تولید، تجزیه، تحلیل و طبقه بندی اطلاعات مورد نیاز در ابعاد داخلی و خارجی و کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی است که فعالیت‌های براندازی ممکن است در قالب جرایم اقتصادی باشد. این موضوع در قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور پیش بینی شده است. در ماده (۱) این قانون مصادیق فعالیت هایی نظیر اخلال در نظام پولی و ارزی، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی و ... پیش بینی شده و در ماده (۲) آمده است چنانچه اعمال مذکور در بندهای

Archive of SID

www.SID.ir

ماده (۱) به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام مقابله با نظام باشد، مرتکب به مجازات محارب و افساد فی الارض محکوم می‌شود. بنابراین در صورت تحقق شرایط مذکور در جرایم اقتصادی وزارت اطلاعات در امر پیشگیری و مبارزه با آن حق دخالت دارد.

ثالثاً) مقام معظم رهبری طی پیامی در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ وزارت اطلاعات را موظف کردند، در چهارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی کلان مانند معاملات و قراردادهای خارجی، سرمایه گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رییس جمهور گزارش دهد. (دفتر بهبود ارزیابی عملکرد مدیریت، ۱۳۸۲،۳)

رابعاً) تبصره (۱) ماده (۴) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نیز وزارت اطلاعات را ضابط قوه قضاییه محسوب نموده است. البته قبل از صراحت قانون مبنی بر ضابط بودن وزارت اطلاعات در جرایم اقتصادی، رییس وقت قوه قضاییه به موجب بخشنامه شماره ۳/۱۳۱/۷۳ مورخ ۷۳/۱/۲۳ اجازه پیگیری فساد مالی در ادارات دولتی را به وزارت اطلاعات داده بودند و تاکنون مأمورین وزارت اطلاعات به خصوص در تهران با مجتمع قضایی امور اقتصادی به نحو گسترده‌ای همکاری داشته و وظایف ضابطین دادگستری را انجام می‌دهند. نکته‌ای که در مورد ضابط بودن وزارت اطلاعات در جرایم اقتصادی وجود دارد این است که بند (ب) ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه و تبصره (۱) ماده ۴ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، وزارت اطلاعات را در «مفاسد کلان اقتصادی» ضابط قوه قضاییه محسوب نموده است. سئوال این است چه معیاری برای تفکیک مفاسد کلان مالی از غیر کلان وجود دارد؟ در این خصوص قانونگذار معیار و ملاکی را مشخص ننموده است و حد نصابی را که رییس قوه قضاییه برای ارجاع پرونده به مجتمع امور اقتصادی (ده میلیارد ریال) تعیین نموده است نیز نمی‌تواند معیار و مبنای فساد کلان قرار گیرد، زیرا تفسیر قوانین عادی از اختیارات رییس قوه قضاییه نمی‌باشد. بر این اساس تشخیص موضوع سلیقه‌ای شده

Archive of SID

www.SID.ir

است و مأمورین وزارت اطلاعات در بعضی موارد از رسیدگی به پرونده‌های جرایم اقتصادی خودداری نموده، آنها را مشمول ماده ۱۲۴ قانون فوق الذکر نمی‌دانند. هر چند در صورت سکوت قانون باید تشخیص قاضی را معیار و ملاک کلان بودن فساد دانست، با این وصف جهت پایان دادن به این مناقشه می‌توان نصاب مذکور در ماده ۳۵ قانون جدید مجازات اسلامی و تبصره آن یعنی یک میلیارد ریال و بیشتر را مفاسد کلان اقتصادی تلقی کرد. نکته دیگر اینکه با فرض پذیرش این وزارت به عنوان ضابط قوه قضاییه، از آنجا که وظیفه اصلی آن مبارزه با جرایم اقتصادی نمی‌باشد طبیعتاً فاقد نیروهای متخصص و آموزش دیده در این موضوع است لذا همچنان مشکل کشور در کشف جرایم اقتصادی و تحقیقات مقدماتی این جرایم پا برجا است. از این رو در مقایسه ضابطین دادگستری فرانسه و ایران در مبارزه با جرایم اقتصادی، نکات ذیل حایز اهمیت است:

اولاً) در نظام حقوقی فرانسه مأمورین و افسران پلیس قضایی در مقام انجام تحقیقات مقدماتی از اجرای اوامر یا کسب تکلیف از مقامات غیر قضایی رسماً ممنوع شده اند و این امر دخالت مقامات سیاسی را در تحقیقات، به خصوص جرایم اقتصادی منع می‌کند. لیکن در قوانین ایران چنین منعی وجود ندارد و مقامات مافوق ضابط قوه قضاییه به خود اجازه دخالت در تحقیقات مقدماتی را می‌دهند؛

ثانیاً) عدم محدودیت ساختار پلیس فرانسه به تقسیمات کشوری، مأمورین را کمک می‌کند بدون نیاز به تفویض نیابت قضایی، تحقیقات خود را با سهولت و سرعت بیشتری انجام دهند. حال آنکه صلاحیت ضابطین دادگستری در ایران محدود به حوزه قضایی بوده و در خارج از حوزه قضایی نیاز به نیابت قضایی دارند.

ثالثاً) یگان مبارزه با جرایم اقتصادی واحد توانمندی است که در ساختار پلیس قضایی فرانسه به طور تخصصی به مبارزه با این جرایم می‌پردازد و از امکانات مادی و انسانی برخوردار است. اما در کشور ایران نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام دادگستری به مبارزه با این جرایم می‌پردازد و نهادی تحت عنوان پلیس قضایی که مأموران و افسران آن حائز شرایط آموزشی و تخصصی مخصوص و قابلیت‌ها و اختیارات ویژه متناسب باشند، وجود ندارد. واحدی هم که در ادارات آگاهی تحت

Archive of SID

www.SID.ir

عنوان اداره کل مبارزه با جرایم اقتصادی وجود دارد از امکانات و تخصصهای لازم برخوردار نبوده و بیشتر به مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌پردازد؛

رابعاً) مأمورین وزارت اطلاعات هم بلحاظ تعدد وظایف محوله عملاً فرصت چندانی برای مبارزه با جرایم اقتصادی نداشته و کمتر درگیر این موضوع می‌شوند. بنابراین برای مبارزه با جرایم اقتصادی پیشنهاد می‌شود:

اولاً) پلیس ویژه جرایم اقتصادی با پرسنل متخصص، کارآزموده و نفوذناپذیر تشکیل شود؛ ثانیاً) این نیرو از امکانات مالی، اداری و آموزشی کافی برخوردار باشد تا وظایف حساس و پرهزینه را بطور شایسته انجام دهد؛ ثالثاً) از استقلال کافی نسبت به مقامات سیاسی و اجرایی برخوردار باشند. لازم به ذکر است تا زمانی که چنین نیرویی تشکیل نشده است، قوه قضاییه می‌تواند از ظرفیت‌های قانونی موجود در برنامه پنجم توسعه استفاده نماید؛ زیرا در بند (الف) ماده ۲۱۱ قانون مذکور مقرر شده است «قوه قضاییه مکلف است نسبت به ایجاد پلیس قضایی اقدام نماید» که در صورت تشکیل این پلیس می‌توان واحدی از آن را به کشف و تحقیق جرایم اقتصادی اختصاص داد. مضافاً اینکه در قسمت ۲ بند (ج) ماده ۲۱۱ همان قانون یکی از وظایف قوه قضاییه تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضایی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان است.

۲-۳. مرجع قضایی

اهمیت جرایم اقتصادی، حساسیت افکار عمومی و خسارات حاصل از این جرایم به حدی است که دولت‌ها سعی دارند نهادهای قضایی کیفری خاص و قضات آموزش دیده را برای رسیدگی به این جرایم اختصاص دهند. اشراف مرتکبان به تخلف و حرفه خود و توانایی بهره مندی از بهترین وکلا و خبره ترین مشاوران و حسابداران به حدی است که نیاز به قاضی حرفه‌ای وجود دارد. قاضی که به جرم قتل رسیدگی می‌کند نمی‌تواند پیچیدگی تخلفات و جرایم مرتبط با دفاتر حسابداری و مقررات مربوط به ثبت شرکت‌ها را درک کند لذا در بسیاری کشورها با مراجع خاصی مواجه هستیم.

Archive of SID

www.SID.ir

(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۵۳۹) از آنجا که سیستم قضایی حاکم در کشورهای فرانسه و ایران از نظام مختلط تبعیت نموده و در این نظام دو مرحله ی تحقیقات مقدماتی و رسیدگی از یکدیگر جداست و مقررات حاکم بر آنها متفاوت است یعنی تعقیب متهمان و تحقیقات مقدماتی در دادسرا و رسیدگی در دادگاه انجام می‌شود؛ بر این اساس ابتدا نهاد دادسرا و سپس دادگاه مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳. دادسرا

در فرانسه طبق قانون آیین دادرسی کیفری، دادسرا مسئول تعقیب دعوای عمومی و درخواست اجرای قانون است. ریاست دادسرا را دادستان بر عهده دارد. در این کشور، از نظر سلسله مراتب دو نوع دادسرا وجود دارد، یکی دادسرای استان که در معیت دادگاه‌های تجدیدنظر و دادگاه جنایی مستقر در حوزه دادگاه تجدیدنظر استان انجام وظیفه می‌کند، دوم دادسرای شهرستان که در معیت دادگاه شهرستان انجام وظیفه می‌نماید.دادستان استان بر اجرای قوانین کیفری در حوزه دادگاه تجدیدنظر استان و بر حسن اجرای عملکرد دادسرای شهرستانهای حوزه خود نظارت دارد و می‌تواند با دستور کتبی از دادستان شهرستان شروع به تعقیبی را بخواهد. دادستان شهرستان نیز دستور تعقیب پرونده را در شهرستان صادر و تحت شرایطی می‌تواند دستور بایگانی کردن پرونده را صادر نماید. البته کسی که نسبت به تصمیم بایگانی کردن پرونده معترض است می‌تواند نزد دادستان استان اعتراض نماید. (تدین، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲) در این کشور با اصلاحات متعددی که به خصوص در سال ۱۹۹۴ در قانون آیین دادرسی کیفری به عمل آمده است رویکرد نظام حقوقی آن در جرایم اقتصادی به سوی تخصصی شدن مراجع قضایی بوده است. به طوری که طبق آن قانون، مراجع ویژه‌ای برای تعقیب، تحقیق و در امور جنحه‌ای محاکمه و صدور رأی تشکیل شده است. این مراجع شامل دادستانها، قضات تحقیق و شعبه‌های تخصصی دادگاه جنحه و نظایر آن است که در مجتمع‌های جرایم مالی و اقتصادی و دادگاه‌های فرامنطقه‌ای سازمان یافته اند، این مجتمع‌ها در حقیقت مرکزی برای همکاری انواع متخصصین مانند کارمندان بانک ملی فرانسه، کارکنان ادارات مالیات و گمرک از یک سو و قضات تحقیق و

Archive of SID

www.SID.ir

دادستانها از سوی دیگر هستند، در واقع محیط مناسبی را برای رسیدگی دقیق به پرونده‌های مربوطه ایجاد کرده اند. (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۸۸: ۲۷۳) در کشور فرانسه دادسرا از سیستم مقتضی بودن تعقیب تبعیت می‌کند، لذا قانونگذار تحت شرایطی به دادستان این اختیار را داده است که از فرآیندهای جایگزین تعقیب کیفری استفاده کند و یا حتی به دلایل مربوط به منافع اجتماعی و پیشگیری از جرم و سایر ملاحظات سیاست جنایی، دستور بایگانی کردن پرونده را صادر نماید، حال سؤال این است که آیا دادستان تحت فشار مقامات مافوق، اقدام به بایگانی کردن پرونده‌های جرایم اقتصادی نمی‌کند؟

در پاسخ می‌توان گفت در این کشور تحت فشار افکار عمومی و توصیه‌های بین المللی تضمین‌های قانونی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد دادستان از اختیارات خود سوءاستفاده نماید. از جمله این تضمین‌ها عبارتند از:

الف) با اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۴ در قانون آیین دادرسی کیفری به عمل آمده است، اختیارات وزیر دادگستری در ماده ۳۰ قانون مذکور به نحوی محدود شده است که این مقام نمی‌تواند به دادستان دستور بایگانی کردن پرونده را بدهد. وظیفه وزیر دادگستری صرفاً دستور شروع به تعقیب است که آن هم بایستی کتبی بوده و در پرونده محفوظ بماند و حق دستور عدم تعقیب را ندارد. وقتی عالیترین مقام قضایی حق چنین دستوری ندارد سایر مقامات به طریق اولی چنین حقی را ندارند. اختیارات دادستان استان نسبت به دادستان شهرستان نیز همانند وزیر دادگستری است؛ ب) برای اینکه دادستان از اختیارات خود در بایگانی کردن پرونده سوءاستفاده نکند مکلف است، نتیجه هر اعلام جرم و شکایتی را اعم از تصمیم به تعقیب، انصراف بدون اقدام تعقیب و یا استفاده از شیوه‌های جایگزین تعقیب را به اطلاع اعلام کننده جرم، شاکی و حتی هر بزه دیده شناخته شده ای، هر چند شکایت نکرده باشد برساند. مضافاً اینکه تصمیم به بایگانی کردن پرونده فقط به دلایل قضایی و یا ملاحظه مصالح عدالت کیفری امکان پذیر است. تصمیم به بایگانی کردن پرونده نزد دادستان استان قابل اعتراض است که چنانچه تصمیم مذکور توجیه قانونی نداشته باشد دادستان استان دستور تعقیب صادر خواهد کرد. (تدین، ۱۳۸۸: ۵۴) تضمین دیگر این است که نظام قضایی فرانسه به شاکی

Archive of SID

www.SID.ir

یا زیان دیده اجازه داده است تحت شرایطی خود دعوای عمومی را به جریان انداخته و مستقیماً به دادگاه صالحه رجوع کند؛ ج) صدور تصمیم بایگانی کردن پرونده توسط دادستان فقط در شروع اولیه تعقیب کیفری مؤثر است و پس از شروع تعقیب کیفری در این زمینه اختیاری نخواهد داشت، زیرا دادستان نمی‌تواند پرونده را از قاضی تحقیق گرفته و یا تقاضای برائت یا توقف رسیدگی را صادر نماید؛ د) اگر دادستان در پرونده خاصی به بعضی از اعمال مجرمانه توجه نکرده و یا در مورد دخالت افراد خاصی در ارتکاب جرم تحقیق لازم نکرده باشد، شعبه تحقیقات دادگاه پژوهش می‌تواند حتی بدون درخواست اصحاب دعوی دستور تحقیقات را صادر نماید.در کشور ایران طبق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا تحت عنوان دادسرای عمومی و انقلاب در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل شده است. ریاست دادسرا را دادستان بر عهده داشته و به تعداد کافی معاون دادستان، بازپرس و دادیار دارد، این دادسرا عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیقات مقدماتی است. تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم را دادسرا بر عهده داشته و این دادسرا فاقد مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی است. البته در بعضی از دادسراها به خصوص در شهرهای بزرگ پرونده جرایم اقتصادی به شعبی از دادسرا ارجاع می‌شود، اما قضات آن شعب آموزش‌های لازم را در رسیدگی به جرایم اقتصادی ندیده و صرفاً بر اساس تجربیات خود پرونده‌ها را رسیدگی می‌کنند. مضافاً اینکه قضات رسیدگی کننده به این پرونده‌ها از مشورت متخصصین مربوطه نیز بهره مند نیستند.در مقایسه سیستم دادسرایی در نظام حقوقی فرانسه و ایران نکات ذیل حایز اهمیت است.

اولاً) در کشور فرانسه در مجتمع‌های جرایم مالی و اقتصادی و حوزه دادگاه‌های فرامنطقه‌ای مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی متشکل از دادستان و قضات تحقیق وجود دارد. که این قضات آموزش‌های لازم را دیده اند ولی در ایران چنین مرجعی وجود ندارد؛ ثانیاً) ماده ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اجازه داده است افرادی که از تخصص دانشگاهی و حداقل چها رسال سابقه حرفه‌ای مرتبط برخوردارند به عنوان دستیار قضات تحقیق منصوب شوند این دستیاران که تابع نظر قضات هستند کار

Archive of SID

www.SID.ir

رسیدگی به پرونده‌های مهم تخصصی را تسهیل می‌کند حال آنکه در کشور ایران قانونگذار چنین اجازه‌ای را به دادسرا نداده است؛ ثالثاً) در فرانسه مراجع تحقیق در جرایم اقتصادی صلاحیت سرزمینی فراتر از دادگاه شهرستان دارند از این رو در رسیدگی به جرایم اقتصادی که در چند حوزه قضایی شهرستان واقع شده است دچار مشکل نمی‌شوند ولی در ایران صلاحیت هر دادسرا محدود به حوزه شهرستان بر اساس تقسیمات کشوری است بنابراین چنانچه نیاز به تحقیقاتی خارج از حوزه قضایی باشد بایستی به دادسرای ذیصلاح نیابت قضایی تفویض نماید و ممکن است تحقیقات مورد نظر توسط قضاتی انجام شود که در امور اقتصادی تخصص لازم نداشته و در رسیدگی به پرونده خلل ایجاد نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود قوه قضاییه در اجرای بند (ب) ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نسبت به تهیه لایحه تشکیل دادسرای جرایم اقتصادی اقدام تا با تصویب مجلس شورای اسلامی دادسرایی با شرایط ذیل در هر استان تشکیل شود:

الف) در مرکز هر استان با ریاست دادستان مرکز استان دادسرای رسیدگی به جرایم اقتصادی تشکیل شود که صلاحیت رسیدگی به جرایم اقتصادی در سراسر استان را داشته باشد و قضات شاغل در آن مرجع پس از طی آموزشهای تخصصی به کار گرفته شوند؛ ب) در مرکز کشور با ریاست دادستان تهران دادسرای رسیدگی به جرایم کلان اقتصادی (مثلاً جرایمی که موضوع آنها یک هزار میلیارد ریال و بیشتر باشد یا جرایمی که در حوزه‌های قضایی استانهای مختلف واقع شده یا مرتکبان یا بزه دیدگان در سراسر کشور گسترش یافته باشند) تشکیل شود که صلاحیت رسیدگی جرایم اقتصادی کلان در سراسر کشور را داشته باشد؛ ج) امکان به کارگیری کارشناسانی با تحصیلات عالی دانشگاهی و تجربیات لازم در رشته‌های مرتبط با جرایم اقتصادی از قبیل امور بانکی، گمرکی، بورس، شرکت‌ها و .... به عنوان دستیار قضات و تحت نظارت آنها فراهم نماید.

۲-۲-۳. دادگاه‌ها

یکی از الزامات مبارزه با جرایم اقتصادی وجود دستگاه قضایی مقتدر، مستقل و

Archive of SID

www.SID.ir

متخصص است تا بتواند نقش خود را بعنوان دستگاه تضمین کننده سلامت سایر دستگاهها ایفاء نماید و تحت فشار مرتکبان جرایم اقتصادی که بخش بزرگی از آن توسط مقامات در سطوح میانی یا بالایی سلسله مراتب اداری و یا توسط سیاستمداران پرنفوذ ارتکاب می‌یابد از حدود قانون تجاوز نکند. بر این اساس در کشور فرانسه از زمان تصویب قانون ششم اوت ۱۹۷۵ در حوزه قلمرو صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان یک دادگاه شهرستان تأسیس شده است که به طور اختصاصی برای تحقیق و صدور حکم در مورد جرایم اقتصادی و مالی موضوع ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری از قبیل جرایم مالیاتی، گمرکی، شرکت‌ها صلاحیت دارد پرونده‌های ارجاعی به این دادگاه بسیار پیچیده و تخصصی بوده که برای صدور حکم به آموزشهای تخصصی نیاز دارد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۹۸) در رسیدگی به این جرایم دادگاه‌های تخصصی صلاحیت فرامنطقه‌ای دارند. یعنی اگر جرم در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شود و یا به علت تعداد زیاد شرکاء، معاونین یا بزه دیدگان از لحاظ جغرافیایی گسترش یافته باشد، صلاحیت سرزمینی دادگاه شهرستان به حوزه‌های قضایی بسیاری از دادگاه تجدیدنظر برای رسیدگی و تحقیق و در جرایم جنحه‌ای انشاء رأی گسترش می‌یابد. در این دادگاه‌ها علاوه بر اینکه قضات آموزش‌های لازم را در خصوص رسیدگی به جرایم اقتصادی دیده اند از همکاری و مشورت دستیاران تخصصی که در امور گمرکی، بانکی، مالیات و امثال آن تخصص دارند استفاده نموده و این دستیاران تحت نظارت قضات بدون حق امضاء آنها را یاری می‌کنند. به علاوه طبق ماده ۱-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، جهت تسهیل در رسیدگی به جرایم رشاء و ارتشاء مقامات خارجی و بین المللی موضوع مواد ۳- ۴۳۵ و ۴-۴۳۵ قانون مجازات آن کشور، مراجع قضایی پاریس صلاحیت رسیدگی در سراسر کشور فرانسه را به موازات سایر مراجع تخصصی دارند.در سیستم حقوقی کشور فرانسه برای اینکه بی طرفی قضات در رسیدگی حفظ شود. تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شده است از جمله؛

اولاً) احاله پرونده به مرجع دیگر چنانچه بیم اعمال نفوذ وجود داشته باشد: بر این اساس در ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری (الحاقی ۱۰ مارس ۲۰۰۴ با اصلاحات ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵) مقرر شده است: «اگر پرونده تحت نظر دادستان شهرستان متضمن عمل

Archive of SID

www.SID.ir

مجرمانه‌ای باشد که در آن یکی از قضات، وکلای دادگستری، صاحب منصبان عمومی یا وزارتی، نظامیان ژاندارمری ملی، صاحب منصبان پلیس ملی یا اداره گمرک یا اداره زندانها و یا بطور کلی هر شخصی که صاحب مقام عمومی یا مأمور به خدمات عمومی بوده و عادتاً به مناسبت وظیفه یا مأموریت خود با قضات مربوطه یا کارمندان دادگاه ارتباط دارد، بعنوان مرتکب عمل مجرمانه یا بزه دیده قابل طرح باشد، دادستان استان می‌تواند رأساً یا به پیشنهاد دادستان شهرستان و یا به تقاضای هر ذینفع پرونده را به دادستان شهرستان دیگری که در نزدیکترین دادگاه جنحه نسبت به مقر دادگاه پژوهش اشتغال دارد، احاله نماید؛ در این صورت دادگاه اخیر برای رسیدگی به امر جزایی مذکور، صلاحیت محلی دارد و مقررات عمومی صلاحیت در مواد ۵۲، ۳۸۲ و ۵۲۲ (ق.آ.د.ک) لازم الرعایه نیست، تصمیم دادستان استان یک تصمیم اداری صرف محسوب شده قابلیت پژوهش خواهی یا تجدیدنظر نخواهد داشت. مقنن فرانسوی به خوبی واقف بوده رابطه دوستانه و نفوذی که در نتیجه همکاری و ارتباط شغلی بین مقامات عمومی و مأمورین به خدمات عمومی، از یک سو و قضات و کارمندان دادگاه، از سوی دیگر به ویژه در شهرهای کوچک به وجود می‌آید ممکن است از کیفیت رسیدگی بکاهد. نکته دیگر آنکه با تعیین ضابطه عینی مسافت برای احاله، مقصد احاله را فارغ از خواست دادستان استان مشخص می‌کند تا بازهم احتمال نفوذ و تأثیر روابط شغلی کاهش یابد (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۸۸: ۲۷۲-۲۷۱)؛ ثانیاً) طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی پرونده‌ها محرمانه است و این اصل شامل تمام کسانی می‌شود که به نوعی به محتویات پرونده دسترسی دارند. لذا از دسترسی افراد صاحب نفوذ به محتویات پرونده جلوگیری می‌شود؛ ثالثاً) مقنن فرانسه، در اجرای اصل ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری اجازه داده است اشخاصی که از تخصص دانشگاهی و حداقل چهار سال سابقه حرفه‌ای مرتبط برخوردار بوده یا از مقامات با تجربه دولتی با تخصص لازم باشند، با رعایت تشریفاتی به عنوان دستیار مخصوص قضات تحقیق و دادستانهای حوزه‌های فرا منطقه‌ای رسیدگی به جرایم اقتصادی منصوب شوند. وجود این متخصصین در کنار قضات، کار رسیدگی به پرونده‌های پیچیده جرایم اقتصادی را تسهیل می‌نماید. دستیاران مخصوص از هر نظر تابع اوامر قضات رسیدگی کننده

Archive of SID

www.SID.ir

هستند؛ رابعاً) به دلیل پیچیدگی موضوع و گستردگی بزهکار و بزه دیده در جرایم اقتصادی، امکان ارتکاب این جرایم در چندین حوزه قضایی وجود دارد. بنابراین مقنن برای دادگاه‌های رسیدگی کننده به این جرایم صلاحیت محلی فرامنطقه‌ای (یعنی صلاحیت آنها محدود به حوزه معینی نیست بلکه صلاحیت آنها در حوزه‌های قضایی مختلف قابل اعمال است) قائل شده است تا در روند رسیدگی به پرونده‌ها اختلالی ایجاد نشود و صلاحیت محلی دادگاه محل وقوع جرم مانع انجام کار این مراجع تخصصی نگردد. بدین ترتیب وجود دادگاه‌های تخصصی، بهره برداری از تخصصهای لازم و ایجاد صلاحیتهای موازی برای این محاکم، کارآمدی نظام عدالت کیفری فرانسه را در اجرای سیاست جنایی مقابله با جرایم اقتصادی ارتقاء داده است. در حقوق ایران قانونگذار در خصوص جرایم اقتصادی سیاست منسجمی در چهارچوب قوانین مصرح و مدون اتخاذ ننموده است و چون عنوان مستقل «جرایم اقتصادی» وجود ندارد در نتیجه به تبع این خلاء تقنینی، سیاست جنایی قضایی و اجرایی نیز با رویه‌های متفاوت و مراجع تصمیم گیری مختلف روبه رو شده است. به عبارت دیگر علاوه بر آن که سیاست قانونگذار در جرم انگاری جرایم مذکور مشخص نیست، تشخیص صلاحیت دادگاه‌های عمومی و سایر مراجع اداری پیش بینی شده در قانون مشکل می‌باشد. در مورد جرایم اقتصادی سه مرجع دادگاه کیفری استان، دادگاه‌های عمومی و انقلاب و همین طور سازمان تعزیرات حکومتی که بر خلاف سه مورد قبلی با نظارت دولت همراه است صلاحیت رسیدگی دارند؛ مثلاً اختلاس در صلاحیت دادگاه عمومی و اختلاس شبکه‌ای در صلاحیت دادگاه کیفری استان است. اگر بحث مفسد فی الارض طبق ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مطرح شود به موجب ماده ۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ مصوب ۸۶/۷/۲۴، دادگاه انقلاب صلاحیت خواهد داشت. همچنین در قاچاق کالا هم دادگاه انقلاب اسلامی صلاحیت دارد و هم با رعایت شرایطی سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است. بنابراین تعدد مراجع رسیدگی کننده به جرایم اقتصادی نه تنها موجب نقض حقوق دفاعی متهم خواهد شد که طبق عمومات آیین دادرسی کیفری حق دارد به طور کامل از مرجع صالح برای

Archive of SID

www.SID.ir

رسیدگی مطلع شود، بلکه بلحاظ مبهم بودن مفاهیمی که در قوانین آمده است مانند اخلال در نظام اقتصادی کشور، کلان و عمده بودن جرم ارتکابی، در بسیاری از موارد تعیین صلاحیت برای دادرس و نهاد رسیدگی کننده مشکل بوده و موجب بروز تعارض مثبت یا منفی در صلاحیت و صدور آراء متهافت و متناقض و در نهایت صدور آراء وحدت رویه خواهد شد. (روستایی، ۱۳۸۸: ۲۷) با این وصف پیچیده بودن جرایم اقتصادی و فشار افکار عمومی موجب شد تا رییس قوه قضاییه در اول مرداد ماه سال ۱۳۸۵ دستور تشکیل مجتمع امور اقتصادی متشکل از شعبی از دادسرا، دادگاه‌های عمومی جزایی و تجدیدنظر را صادر نماید که طبق دستورالعمل مذکور، جرایم اقتصادی کلان در رابطه با اموال عمومی یا دولتی که با نصاب ۱۰ میلیارد ریال و یا بیشتر باشد در آن مجتمع رسیدگی می‌شوند و طبق ماده ۱۱ آن دستورالعمل، تعقیب و رسیدگی به جرایم کلان اقتصادی در خارج از حوزه تهران با موافقت رییس قوه قضاییه قابل احاله به آن مجتمع می‌باشند. اما آنچه مسلم است تشکیل مجتمع امور اقتصادی در تهران، آن هم به موجب بخشنامه، مشکل رسیدگی به جرایم اقتصادی را رفع نخواهد کرد. در مقایسه مراجع قضایی فرانسه و ایران می‌توان گفت: اولاً) در فرانسه مراجع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی (موضوع ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) وجود دارد که متخصص و آموزش دیده در انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم اقتصادی هستند و این امر، کیفیت و سرعت در رسیدگی را ارتقاء می‌بخشد. اما در ایران نه تنها چنین مرجعی وجود ندارد، بلکه با تعدد مراجع صلاحیت دار برای رسیدگی با این جرایم مواجه هستیم و در جاهایی که در اجرای اختیارات رییس قوه قضاییه برای رسیدگی به این جرایم، محاکم ویژه‌ای اختصاص یافته است، تضمینی برای دوام و بقاء آن وجود ندارد و قضات شاغل در این محاکم از تخصص و تجربه کافی برای تصدی سمت تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرایم اقتصادی برخوردار نیستند مگر به طور موردی تجربه کسب کرده باشند؛ ثانیاً) در نظام قضایی فرانسه مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی، صلاحیت فرامنطقه‌ای دارد و در جرایم اقتصادی که غالباً کلان بوده و در حوزه‌های قضایی متعدد ارتکاب می‌یابند تعقیب متهمان با مشکل مواجه نمی‌شود در صورتی که در ایران دادسرا و دادگاه‌های رسیدگی کننده

Archive of SID

www.SID.ir

(اعم از عمومی، انقلاب یا کیفری استان) صلاحیت فرامنطقه‌ای ندارند و جهت تعقیب متهم و یا انجام تحقیقات خارج از حوزه قضایی خود باید نیابت قضایی صادر نمایند که مرجع مجری نیابت ممکن است در موضوع نیابت از تخصص کافی برخوردار نبوده و روند رسیدگی را دچار خلل نماید؛ ثالثاً) در نظام قضایی ایران، بر عکس نظام فرانسوی، مشاوران مخصوص قضایی برای همکاری در تحقیقات فنی و تخصصی به کار گرفته نشده است که این امر، در کنار عدم آموزش کافی قضات درباره الزامات رسیدگی به جرایم غیرمتعارف اقتصادی، مشکل ساز خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود قوه قضاییه در اجرای بند (ب) ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد، لایحه قانون تشکیل دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی را با شرایط ذیل به دولت پیشنهاد نماید تا جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود:

الف) تشکیل دادگاه‌های رسیدگی به جرایم اقتصادی اعم از دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر با ریاست رییس کل دادگستری استان یا یکی از معاونین وی با صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتکابی در سراسر استان و متشکل از قضات آموزش دیده و با تجربه؛

ب) تشکیل دادگاه‌های رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان اعم از دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر در مرکز کشور با ریاست رییس کل دادگستری استان تهران یا یکی از معاونین وی برای رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان در سراسر کشور متشکل از قضات آموزش دیده و با تجربه؛

ج) فراهم نمودن امکان به کارگیری کارشناسانی با تحصیلات عالی دانشگاهی و تجربیات لازم در رشته‌های مرتبط با جرایم مذکور از قبیل امور بانکی، بورس و اوراق بهادار، گمرک، بیمه، مالیات و شرکتها که تحت ریاست قاضی دادگاه انجام وظیفه نموده و در رسیدگی به پرونده‌ها و جمع آوری دلایل به آنها کمک کنند.

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

جرایم اقتصادی پیچیده و فنی بوده، در محیطهای شغلی و بسته اداری و تجاری

Archive of SID

www.SID.ir

ارتکاب می‌یابند که کشف آنها دشوار است و مرتکبین این جرایم ضمن برخورداری از هوش و ذکاوت بالا و آشنایی به قوانین و مقررات با مراکز ثروت و قدرت کشور در ارتباط هستند؛ از طرف دیگر این جرایم بزه دیده مشخص نداشته در بدو امر افکار عمومی را تحریک نمی‌کنند. بدین سان مبارزه با آنها مستلزم وجود نهادهایی مستقل، قدرتمند و متشکل از افراد متخصص و نفوذناپذیر است. این مهم در کشور فرانسه مورد توجه مسئولین تقنینی، اجرایی و قضایی قرار گرفته، برای مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی پلیس قضایی تأسیس شده است که نه تنها متشکل از پرسنل متخصص و کارآزموده در مبارزه با جرایم اقتصادی است، بلکه بر اساس بند ۱ ماده ۱-۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند موقتاً از مأمورین عالی رتبه گمرک که با تشریفات مخصوص برای این کار انتخاب می‌شوند در انجام تحقیقات مقدماتی استفاده نماید. این نیرو به همراه ادارات مرکزی پلیس قضایی دارای صلاحیت اقدام در سراسر کشور فرانسه هستند تا به دور از بروکراسی اداری با سرعت به وظیفه خود عمل نمایند و در مرحله رسیدگی به این جرایم، نیز به موجب ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری محاکم ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تشکیل شده است، قضات این محاکم دوره‌های آموزش تخصصی را دیده و متخصص و مجرب در کار خود هستند. مضافاً اینکه در اجرای ماده ۷۰۶ قانون فوق الذکر دادگاه‌ها می‌توانند از اشخاصی که از تخصص دانشگاهی و حداقل چهار سال سابقه حرفه‌ای مرتبط برخوردار بوده یا از مقامات با تجربه دولتی با تخصص لازم محسوب می‌شوند با رعایت تشریفاتی به عنوان دستیار استفاده کنند که این دستیاران مخصوص از هر نظر مطیع دستورات قضات مربوطه یا دادستانها هستند و پس از ادای سوگند به مدت معینی به این سمت منصوب شده، در انجام تحقیقات پرونده‌های پیچیده به قضات کمک می‌کنند. اما در نظام حقوقی ایران به رغم حساسیتی که جهت مبارزه با جرایم اقتصادی در مسئولان رده اول کشور وجود دارد به طوری که فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری و تشکیل ستاد مبارزه با جرایم اقتصادی با حضور سران سه قوه مصداقی بر این ادعا است، ولی در بدنه کشور اراده جدی و مصمم و ساز و کار منسجمی در مبارزه با این جرایم وجود ندارد و نهادهای وابسته به نظام عدالت کیفری بنا به جهات ذیل در مبارزه با جرایم

Archive of SID

www.SID.ir

اقتصادی موفق ظاهر نشده اند زیرا اولاً) پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی که آموزشهای لازم را برای کشف و تحقیق جرایم اقتصادی دیده باشد وجود ندارد؛ ثانیاً) این نیرو از امکانات مادی و انسانی کافی برخوردار نیست؛ ثالثاً) به لحاظ گستردگی حوزه فعالیت و کثرت کار، عملاً در کشف علمی جرایم موفقیت چندانی ندارند. وزارت اطلاعات هم برخورد با جرایم اقتصادی را وظیفه اصلی خود ندانسته، کمتر در این عرصه وارد می‌شود. دستگاه قضایی ایران نیز با توجه به تعدد مراجع صلاحیتدار در رسیدگی به جرایم اقتصادی، مانند دادگاه‌های انقلاب، کیفری استان، دادگاه‌های عمومی و حتی سازمان تعزیرات حکومتی، پراکندگی قوانین، عدم تخصص قضات در رسیدگی به جرایم اقتصادی، جوسازی و سیاسی تلقی کردن مبارزه با این جرایم توسط سازمانها و گروههای مختلف، به رغم تشکیل شعب تخصصی جهت مبارزه با جرایم مذکور در اجرای ماده ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و صدور احکام متعددی در این خصوص، اما چندان تأثیرگذار نبوده و عملکرد آن جنبه بازدارندگی نداشته است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

الف) نهادی دائمی، مستقل و با امکانات مادی و انسانی کافی جهت پیشگیری از جرایم اقتصادی در کشور تأسیس شود؛

ب) پلیس قضایی ویژه مبارزه با جرایم اقتصادی متشکل از مأمورین و کارشناسان مجرب تشکیل شود؛

ج) مجتمع قضایی رسیدگی به جرایم اقتصادی متشکل از دادسرا، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر به موجب قانون (نه بخشنامه) ایجاد شود و قضات این مرجع در مقاطع مختلف تحصیلی آموزشهای تخصصی لازم را دیده باشند؛

د) به مراجع قضایی و انتظامی امکان بهره مندی از همکاری کارشناسان و متخصصین مربوطه و به اصطلاح مشاغل پیرا قضایی داده شود تا تحت ریاست قضات نسبت به اجرای اوامر قضایی اقدام و رسیدگی به پرونده‌های جرایم اقتصادی را تسهیل نمایند.

Archive of SID

www.SID.ir

پی‌نوشت:

1.Sjogren and skogh
2.Greco

منابع

الف. فارسی

ابراهیمی شهرام و دیگران (۱۳۸۴). **نهادهای قضایی فرانسه**، چاپ نخست، سلسبیل.

بهره‌مند بگ نظر، حمید (۱۳۸۷). **رهنمودهای تقنینی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد**. تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

تدین، عباس (۱۳۸۸). **قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه**. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

توسلی زاده،توران. (۱۳۹۰). **پیشگیری از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران و اسناد سازمان ملل متحد**. پایان نامه دکتری، پردیس قم، دانشگاه تهران.

حسینی، سیدحسین (۱۳۸۸). درآمدی بر مدیریت پیشگیری از جرایم اقتصادی، **مجموعه مقالات همایش ملی علمی- کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه جلد دوم**، مشهد، بنیاد حقوقی میزان، ۱۸۳-۱۶۷.

دفتر بهبود ارزیابی عملکردمدیریت (۱۳۸۲). **طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت در نظام اداری**، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۸). ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی، **فصلنامه کارآگاه**، شماره ۷: ۳۱-۶.

صفاری، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم. **مجله تحقیقات حقوقی**، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴-۳۳ : ۳۲۱-۲۶۷.

ضرغامی، فرید (۱۳۸۷). تعامل پلیس و دادسرا در پیشگیری از وقوع جرم، **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم**، تهران، معاونت آموزش ناجا، ۲۶۹-۲۵۵.

Archive of SID

www.SID.ir

محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷). **پلیس و پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات)**، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۶). رویکردهای پلیس برای پیشگیری از جرم، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، نشریه پلیس پیشگیری ناجا، تهران: شرکت طراحان نو اندیش فردا، ۹۰-۶۷ .

مسعودی، محمود (۱۳۸۸). **تبانی در معاملات دولتی در سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان.

مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۰). **سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی**. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم، **علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)**، تهران: انتشارات سمت.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۵-۱۳۸۴): **تقریرات درس جرم شناسی**، دوره کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰): **مباحثی در علوم جنایی**، ویراست ششم به کوشش شهرام ابراهیمی.

ووگل، فرانک، پاپ جرمی (۱۳۷۹). **چگونه می‌توان سازمان‌های مبارزه با فساد را ثمربخش ساخت**، تهران: اطاق بازرگانی شماره ۱۰.

یزدی نظری نژاد، محمد (۱۳۸۳). **سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی**. پایان نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

یوسفیان شوره دلی، بهنام (۱۳۸۸). **حمایت کیفری از حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و حقوق فرانسه)**، پایان نامه دکتری، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

Archive of SID

www.SID.ir

ب. انگلیسی

Greco secretariat, council of Europe, first evaluation round: compliance report on france, adopted by creco at its 15th plenary meeting (Strasbourg, 13-17 october 2003) directorate general legal affairs department of crime problems, Greco rc-1 (2003) 10e Strasbourg, 16 october 2003 (public)

Sjogren, hans, and skogh, Goran, (2004). **New perspective on Economic crime Edward Elgar publishing limted**, uk

Archive of SID

www.SID.ir